

((بمناسبت سالروز انقلاب مشروطیت))

۹۸ سال قبل نیاکان ما بمنظور تحکیم حاکمیت ملی؛ از طریق حکومت قانون و تامین آزادیهای فردی قیام نمودند. از ایران آنزمان چیزی جز از هم پاشیدگی حکومت خان خانی، ناامنی و تفرقه در تاریخ نمیخوانیم. امکان مسافرت حتی بمساحت چند کیلومتری بدون دغدغه و ترس از راهزنان موجود نبود. از لحاظ قانون حتی حدود مالکیت خانه های مسکونی نیز جز از طریق دستخط این آخوند و آن روضه خوان وجود نداشت. نه دادگستری بود و نه قوانین جزائی مترقی و نه نیروی قهریه لازم؛ برای تامین امنیت جامعه؛ آموزش و پرورش ما از تعدادی مکتب خانه آخوندی تجاوز نمیکرد. آبله و مالاریا، انواع امراض اسهالی بخصوص در میان اطفال؛ حصبه و تراخم و کچلی و امثال آنها باعث شده بود تا حد متوسط سن در کشور ما از ۲۷ سال تجاوز نکند.

تا اعلام مشروطیت؛ یعنی در درازای تاریخی که به چندین قرن متمادی میرسید؛ در ایران ما ایلات و عشایر بودند که حکم میراندند و از قانون و آزادی؛ از مدنیت مدرن؛ نشانی وجود نداشت. آنچه که بود قدرت شمشیر سلاطین و خود کامکی افسار گسیخته شان بود که بادعای خیر علمای دین اسلام مشروعیت مییافت.

مردم در برابر سلاطین ایلی و علمای دینی؛ تنها وظیفه داشتند. از حق و حقوق فردی و جمعی به عنوان بزرگترین کشف دوران جهان؛ هیچگونه سخنی در میان نبود. انسان ایرانی در برابر سلاطین و در برابر ملایان؛ در برابر قدرتمندان و بزرگان و صاحبان زر و زور؛ تنها تکلیف و وظیفه داشت؛ هر فردی اگر زن بود در برابر شوهر؛ اگر کوچک بود؛ در برابر بزرگتر؛ اگر رعیت بود در برابر ارباب؛ تنها وظیفه داشت؛ ولی حقی نداشت. انقلاب مشروطیت این نظام را دگرگون ساخت و ایرانی صاحب حق، سر آمد نهضت مشروطیت شد که جامعه ما را از عصر تکلیف به عصر حقوق؛ یعنی به دوره انسان صاحب حق منتقل کرد. در واقع انقلاب مشروطیت، یک انقلاب مجموعه ارزشها بود و پایان دادن به سنتهایی که چون زنجیری بردست و پای ایرانی پیچیده بودند. بدین سبب جنبش مشروطه برای آزادی بود؛ آزادی بمثابه حق جمعی فردی، روش درست حکومت کردن و کسب معرفت و از مشگلات گره گشودن؛ و ترس از حکومت و روحانیت و خرافات پایان دادن.

انقلاب مشروطیت برای کسب استقلال و آزاد کردن کشور از سلطه روس و انگلیس بود؛ ملت ایران و روشن بینان مملکت؛ فهمیده بودند که با وجود سلطان مستبد و ملایان خرافات پرداز؛ این امکان برای اجنبی همیشه وجود داشت که بانفوذ در آنها؛ کشور ایران را تحت سلطه خود در آورند و ایرانی را فرمانبردار خود سازند. از اینرو بود که سران جنبش مشروطیت؛ با تاسیس دولت ملی میخواستند بر نفوذ خارجی نقطه پایان بگذارند.

با انقلاب مشروطیت بود که میان ایرانیان از هر گروه؛ ایلی و زبانی و دینی اعلام برابری شد. یهودی؛ مسیحی و ارتشی نیز خود را درخانه نیاکان خویش در ایران حس کردند.

قانون اساسی برآمده از این انقلاب چار چوب همراهی ملت ایران برای تاسیس زندگی نو و مشترکی که تضاد تاریخی میان دولت و ملت را از میان بردارد.

مشروطیت چشم توده ملت راگشود و کانون های فساد و خرافات و استبداد را با عریانی تمام در برابر دیدگان حقیقت قرارداد. در ایران بلا دیده امروز ما؛ تمامی شعارهای عصر مشروطیت با قدرت و قاطعیت هرچه بیشتری در سراسر همین تحت سلطه مکتب ولایت فقیه طنین انداز شده و مردم ما همان چیزی را طلب میکنند که بزرگان مشروطیت میخواستند؛ قانونیت؛ جامعه مدنی؛ آزادی؛ جدائی دین از حکومت و نیز برابری میان آحاد مردم؛ مگر اینها نبودند شعارهای مشروطیت؟؟ همین شعارهاییکه امروز زینت بخش گفتار و نوشته های آزادیخواهان ایران شده مگر آنهایی نیستند که مبارزان صدر مشروطیت برای تحققشان جانفشانی میکردند؟ آرمانهای مشروطیت همچنان زنده و پایدار است و نام سرداران مشروطیت؛ سستارخان و باقرخان و دیگر کوشندگان این نهضت در تاریخ ایران جاودانه خواهد ماند.

بیاد داشته باشیم در زندگی ملتها رویدادی سرنوشت ساز و حوادث مهم فراوان دیده میشود در کند و کاو تاریخ ملل به وقایعی برمیخوریم که مسیر زندگی آنان را عوض نموده و این رویدادها اعم از خوب و یا بد در صفحات تاریخ باحرفی درشت تر ثبت شده است. در تاریخ پر نشیب و فراز و پرافتخار ما ایرانیان نهضت مشروطیت و پیروزی اجداد ترقی خواه و مشروطه طلب ما همچون ستاره درخشانی پرتو افشانی میکند و برآستی این رویداد بزرگ که نتیجه کوششها و جانبازیهای بیدریغ و از خودگذشتگی های نسلی تشنه ترقی و آزادی بوده درهای تجدد پیشرفت و تعالی را برای ملت ما باز نمود و از آن هنگام هر ساله ملت ایران خاطره روز ۱۴ مرداد ماه یعنی روز بزرگ غلبه نور و ظلمت و آزادی بر استبداد و تجدد و ترقی خواهی بر دیو سیاه ارتجاع را جشن میگیرد و بهمین مناسبت بنیاد پیوند ایرانیان مسیر نجات و نوسازی ایران را در پرتو میراث مشروطیت میداند و سالگرد آنرا به کلیه هموطنان خود شادباش میگوید.

حمیدمنصوری